

سنت ادبی آغازیه و گونه‌های آن در قرآن

غلامرضا معروف

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی*

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۱۱

کتاب‌های مقدس معمولاً با یکی از گونه‌های تسمیه، ستایش و نیایش آغاز می‌شوند. این کیفیت را آغازیه نام نهاده‌ایم. آغازیه قرآن با دو نگاه کل‌نگر و جزءنگر، قابل بررسی است؛ نخست اینکه سوره حمد، که این سه ساختار را به ترتیب در خود جای داده است، زیباترین آغازیه ممکن برای کل قرآن شمرده می‌شود.

آغازیه در اجزای قرآن (سوره‌ها) خود گونه‌های متعددی دارد که بر ادبیات فارسی و عربی تأثیری انکارناپذیر گذارده است، این گونه‌ها عبارت‌اند از:

۱- حمد و تسبیح خداوند ۲- حروف مقطعه ۳- توصیف کتاب آسمانی ۴- توصیف خداوند ۵- بیان آفرینش ۶- خطاب خدا به بندگان و پیامبر ۷- آغازیه‌های پرسشی ۸- تصویرگری قیامت ۹- بیان ویژگی‌های مؤمنان و کافران ۱۰- سوگند ۱۱- بیان مستقیم از زبان خداوند به عنوان متکلم.

تنوع آغازیه‌های قرآن یک‌بار دیگر بر غنای ساختاری و محتوایی و سرآمدی این کتاب تأکید دارد.

کلید واژه: قرآن، آغازیه، سوره حمد، تسمیه، ستایش، نیایش.

مقدمه

دست‌کم، شامل یکی از حالت‌های تسمیه (بیان نام خدا در آغاز)، ستایش (حمد و ثنای خداوند) و نیایش است، که ما آن را آغازیه نام کرده‌ایم و البته ساختار کامل آغازیه زمانی دیده می‌شود که تسمیه، ستایش و نیایش به ترتیب در پی یکدیگر بیایند. با نگاهی ساده و گذرا به آغاز کتاب‌های مقدس می‌توان دید که سوره حمد - که آغازیه قرآن است - به

کتاب‌های مقدس ادیان بزرگ همچون ریگ ودا، مهابارات، اوستا، تورات، انجیل یوحنا و قرآن با کیفیت ویژه آغاز می‌شوند. این ویژگی که سبب انتساب کتاب به خداوند است،

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه نگارنده به راهنمایی دکتر محمد ریحانی و مشاوره دکتر امیر سلمانی رحیمی است.

اعتبار اینکه در همایشی باشکوه این سه ساخت را در کنار یکدیگر گوهر نشان کرده است، سرآمد آغازیه‌های کتب مقدس است.

سخن اساسی مقاله حاضر این است: سوره حمد از منظر ساختار دارای سه پایه بنیادین تسمیه، ستایش و نیایش است. ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾؛ تسمیه. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ به اعتبار واژه حمد و اینکه سخن از صفات خداوند است، ستایش و ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾، به اعتبار آن که روی کلام سوی خداوند است و نیازهای عابد به معبود پیشکش می‌شود، در حکم نیایش است. همین ساختار سه‌گانه سوره حمد ادبیات مسلمانان را متحول کرده و سستی ادبی در نظم و نثر پدید آورده است. به این ترتیب اهل نظر بیشتر، دیوان‌هایشان را با تسمیه آغاز کرده‌اند، حال آن که تحمیدیه سنت رایج در نثر است. نیایش‌ها نیز بیشتر در شعر کاربرد دارند. گاهی نیز با همایش زیبای تسمیه، ستایش و نیایش روبه‌رو می‌شویم.

در این مقاله یک بار سوره حمد به عنوان آغازیه کل قرآن و سپس آغازیه

هر یک از سوره‌های قرآن بررسی و اجزای متنوع آن معرفی می‌شود. این انواع، بر سراسر ادب فارسی تأثیر گذاشته است، اما از آن جا که تأثیرپذیری آغازیه‌های نظم و نثر از آغازیه سوره‌های قرآن موضوع دیگری است و به موضوع این مقاله مرتبط نیست در این جا از آوردن نمونه‌های فارسی صرف نظر شد.

مشاهده و مقایسه آغازیه‌نویسی در دیگر ادیان و مطالعه و بررسی نمونه‌ها در کتاب آسمانی مسلمانان نشان می‌دهد توجه به آغازیه و زیبایی‌های آن در قرآن به کمال چشمگیری رسیده و ساختار درونی و بیرونی آن قوام یافته است. تنوع گونه‌های آغازیه در قرآن بی‌مانند است، و از دو چشم‌انداز قابل پژوهش است:

نخست اینکه همچون کتاب‌های اوستا، ریگ ودا، تورات (عهد قدیم)، کل قرآن، خود یک آغازیه مستقل دارد و سوره آغازین قرآن در بهترین مکان ممکن جای گرفته است.

دوم اینکه هر بخش (سوره) از این کتاب آسمانی خود آغازیه‌ای مستقل و کامل دارد، بنابراین ابتدا آغازیه را در کل قرآن بررسی می‌کنیم و سپس به کندوکاو

در اجزا و انواع آغازیه در سوره‌های قرآن می‌پردازیم:

۱- آغازیه کلّ قرآن

سوره حمد نخستین سوره‌ای نیست که بر پیامبر نازل شده، ولی آغازین سوره کتاب آسمانی مسلمانان است. *فاتحة الكتاب* پنجمین سوره‌ای بود که بر پیامبر وحی شد و بی‌درنگ چنان اهمیتی یافت که تا همیشه، باید دست کم روزی ده بار در نمازهای مسلمانان تکرار شود. در این سوره عصاره باورها و اندیشه‌های اسلامی را آشکارا می‌بینیم.

این سوره یک آغازیه کلی و براعت استهلال، برای تمام قرآن است؛ زیرا همزمان، تسمیه، ستایش و نیایش را در خود دارد. و چون رابطه بنده با پروردگار نمی‌تواند خارج از این سه گرایش باشد، از جامعیتی ساختاری نیز بهره‌مند شده است. همچنین چکیده بیشتر اندیشه‌های اسلامی در آن یافت می‌شود، اما جزئی از این گُل (بسمله) خود بر سر سایر اجزای قرآن (سوره‌ها) جای می‌گیرد و صدر آغازیه‌ها را رقم می‌زند و با آیه نخست همه سوره‌ها، جز سوره براءت پیوند می‌یابد^۱، حتی

^۱ در مورد آیه بودن بسمله نظریات گوناگونی

بخش‌هایی از آیه دوم (الحمد لله) به آیه آغازین برخی سوره‌ها وارد شده و دستمایه آغازیه آنها گردیده است.

۱-۱. داستان آفرینش و قرآن

یکی از جلوه‌های چشم‌نواز آغازیه که در بیشتر کتاب‌های آسمانی هم دیده می‌شود داستان آفرینش مادی و غیر مادی (معنوی) انسان است.

چیدمان سوره‌های قرآنی که امروز در دست ماست^۲، به گونه‌ای است که پس از سوره کوتاه حمد، در آغازین آیه‌های

مطرح است که یکی از موضوعات فصل دوم است، اما این نظریه که بسمله جزء آیه نخست همه سوره‌هاست یکی از معتبرترین و علمی‌ترین نظریه‌ها در زمینه قرآن پژوهی است. دست کم در چینش سوره‌های قرآن سه چیدمان دیده می‌شود:

نخست: همین قرآنی که در جوامع اسلامی رواج دارد، با سوره حمد شروع می‌شود و به سوره ناس ختم می‌شود. ما آن را در متن به نام چیدمان امروزی قرآن می‌شناسیم. گروهی از مسلمانان بر این باورند که این چیدمان به دستور پیامبر صورت گرفته است.

دوم - قرآنی که در آن سوره‌ها بر پایه ترتیب نزول، کنار هم چیده شده است، از سوره علق شروع می‌شود و به سوره نصر ختم می‌شود که به آن مصحف الازهر می‌گویند.

سوم - مصحف حضرت علی عليه السلام با سوره علق آغاز می‌شود و به سوره فلق ختم می‌شود.

(برای آشنایی بیشتر بنگرید به: قرآن کریم، ترجمه فارسی، توضیحات و واژه‌نامه از بهاء‌الدین خرمشاهی، جدول ص ۶۱۱).

سوره بلند بقره، (یعنی باز هم در آغاز کتاب آسمانی) داستان آفرینش آغازین و معنوی انسان بیان می‌شود. (آیه‌های ۳۰ تا ۳۹ سوره بقره).

بر پایه این چیدمان اولین داستانی که در کتاب آسمانی مسلمانان آمده داستان آفرینش آغازین انسان است، بنابراین آغازین داستان قرآن - یعنی داستان آفرینش - پس از سوره حمد، دومین براعت استهلال قرآن شمرده می‌شود. بیان داستان آفرینش در قرآن با دو نگاه کُل نگر و جُزء نگر قابل بررسی است؛

۱-۱-۱. داستان آفرینش در کل

قرآن

هنگامی که قرآن را به چشم یک کُل بررسی می‌کنیم، به روشنی درمی‌یابیم: داستان آفرینش ازلی انسان، که خود آغازیه کتاب هستی است، در صدر داستان‌های قرآن بسیار خوش نشسته است و پس از سوره حمد، دیگر بار آغازی زیبا را رقم زده است. همین داستان آفرینش ازلی، چندین بار، در متن سوره‌های بلند آغاز قرآن، از زاویه‌های دیگری بیان می‌شود. این تناسب ساختاری در پایان قرآن هم آشکار

است، چنان‌که در یک گذر و نظر ساده می‌بینیم در بیشتر سوره‌های پایانی قرآن داستان قیامت مطرح می‌شود و قیامت خود پایانی است بر کتاب هستی.

بنابراین داستان آفرینش و رستاخیز در آغاز و پایان قرآن حُسن مطلع و حُسن مقطع زیبا و شگفت‌انگیزی را در چیدمان امروزی قرآن رقم زده‌اند که در دیگر کتاب‌های آسمانی سابقه ندارد و دلیلی دیگر است بر جاذبه‌ها و زیبایی‌های ساختاری قرآن و نشان می‌دهد مؤلفان و گردآوران قرآن با هُشیاری، آگاهی و نیک‌اندیشی، سوره‌های آغازین و پایانی قرآن را در مناسب‌ترین مکان ممکن گوهرنشان کرده‌اند.

۱-۱-۲. داستان آفرینش در اجزای

قرآن (سوره‌ها)

وقتی اجزای قرآن (سوره‌ها) را بررسی می‌کنیم باز هم داستان آفرینش به عنوان یکی از گونه‌های آغازیه در صدر برخی سوره‌ها نمایان است؛ اما نکته این است که این‌جا دیگر صحبت از آفرینش ازلی و معنوی انسان نیست. داستان آفرینشی که در صدر سوره‌ها نشسته، آفرینش مادی انسان، زمین و

آسمان‌ها را بیان می‌کند. از این چشم‌انداز آفرینش ازلی یک مبحث کلی است که در یک نگاه کُل‌نگر درک می‌شود و آفرینش مادی هستی، یک رویکرد ریزبینانه شمرده می‌شود.

آفرینش مادی انسان، از آغازین گفته‌های وحیانی است که خداوند در سورهٔ علق بر جان پیامبر فرو فرستاده است: «... بخوان به نام پروردگارت که آفرید، (۱) انسان را از علق آفرید. (۲)»^۱ و خود گویای این نکته است که ابتدا آفرینش مادی به پیامبر و امتش معرفی شد و پس از زمینه‌سازی‌های ذهنی در ادامه داستان آفرینش ازلی بیان شد.

بیان داستان آفرینش مادی که یکی از گونه‌های دوازده‌گانهٔ آغازیهٔ قرآن است، در بخش مربوط به آغازیهٔ سوره‌ها بررسی خواهد شد.

۲- بررسی آغازیه‌ها و گونه‌های آن در سوره‌های قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم، بر صدر همهٔ سوره‌های قرآن - جز سورهٔ توبه - حضوری کلیدی دارد و با تسمیهٔ هر

^۱. برگردان آیات به فارسی بر اساس ترجمهٔ فولادوند (۱۳۷۸) نقل می‌شود و در مواردی که به اقتضای علمی ترجمه از دیگری نقل شود نام مترجم قید خواهد شد.

سوره به نام دوست آغازیه را نیرومندتر، زیباتر و ادبی‌تر می‌کند.

با آن‌که بسمله بخشی از آیهٔ نخست هر سوره - غیر از سورهٔ توبه - شمرده می‌شود^۲، تمام آغازیهٔ یک سوره، بسمله نیست؛ زیرا گاهی آغازیهٔ یک سوره تا چندین آیه ادامه می‌یابد. با پیش چشم داشتن آیه‌های آغازین هر سوره، می‌توان آغازیه‌های قرآن را دست کم در یازده گروه دسته‌بندی کرد.

در برون‌مایه و درون‌مایهٔ این آغازیه‌ها، گوناگونی ساختار، نوآوری، تناسب و کمال‌یافتگی آشکار است که در سنجش با آغازیه‌های دیگر کتاب‌های دینی، همین نکته قرآن را ممتاز و برجسته می‌نمایاند. با این دسته‌بندی می‌توان دریافت آغازیه‌های قرآن از ابتدای نزول تا پایان چه مسیری را دنبال کرده‌اند و می‌بینیم چیدمان امروزی سوره‌های قرآن تا اندازه‌ای بر پایهٔ گونه‌های آغازیهٔ آن شکل گرفته است.

فراموش نشود به خاطر پربار بودن ساختار و مضمون بسیاری از آغازیه‌ها، ویژگی سه یا چهار گروه را همزمان دارند و این خود یکی دیگر از نشانه‌های

^۲. خرّمشاهی، *دانشنامهٔ قرآن و قرآن پژوهی*، ج ۱، ص ۳۷۴ و ۳۷۵.

کمال‌یابی آغازیه‌ها در آخرین کتاب آسمانی است. گونه‌های دوازده‌گانه آغازیه به ترتیب چنین است:

۱-۲. حمد و تسبیح خداوند

پنج سوره قرآن، پس از بسمله با ترکیب الحمد لله ... آغاز می‌شوند. این پنج سوره به ترتیب عبارت‌اند از:

۱- سوره حمد (پنجمین سوره نازل شده بر پیامبر)؛ «ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است».

۲- سوره انعام (پنج‌جاه و پنجمین سوره نازل شده بر پیامبر)؛ «ستایش خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد. با این همه کسانی که کفر ورزیده‌اند [غیر او را] با پروردگار خود برابر می‌کنند».

۳- سوره کهف (شصت و نهمین سوره نازل شده بر پیامبر)؛ «ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ‌گونه کثری در آن ننهاد».

۴- سوره سبأ (پنج‌جاه و هشتمین سوره نازل شده بر پیامبر)؛ «سپاس

^۱ برای آشنایی با ترتیب نزولی سوره‌های قرآن بنگرید به: خرمشاهی، *قرآن شناخت*، ص ۲۰۳-۲۴۳. همچنین ترجمه و توضیحات قرآن، ترجمه خرمشاهی، جدول ص ۶۱۱.

خدایی را که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست و در آخرت نیز سپاس از آن اوست و هم اوست سنجیده‌کار آگاه».

۵- سوره فاطر (چهل و سومین سوره نازل شده بر پیامبر)؛ «سپاس خدایی را که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است و فرشتگان را که دارای بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه‌اند پیام‌آورنده قرار داده است در آفرینش هر چه بخواهد می‌افزاید؛ زیرا خدا بر هر چیز تواناست».

از آن‌جا که سوره حمد پیش از چهار سوره دیگر بر پیامبر فرو فرستاده شده و در سوره‌های نازل شده پیش از حمد (علق، قلم، مزمل، مدثر) نیز عبارت الحمد لله وجود ندارد، تردیدی نیست که الحمد لله آغازگر سوره‌های انعام، کهف، سبأ و فاطر از ﴿الحمد لله رب العالمین﴾ در سوره حمد تأثیر گرفته است.

با دقت در محتوای این آغازها می‌بینیم همیشه در کنار حمد، اوصاف خداوند یکی از جلوه‌های ادبی ستایش (تحمید) و تعلیلی بر ستایش است. سوره‌هایی نیز با تسبیح خداوند آغاز شده که عبارتند از: اعلی، تغابن، صف، حشر، اسراء و حدید.

۲-۲. حروف مُقَطَّعه

این حروف که ادوات استفتاح یا فواتح سُور نیز گفته می‌شوند حرفی مانند «الم» که هنگام خوانش به طور گسسته الف، لام، میم، خوانده می‌شوند و در آغاز ۲۹ سوره قرآن جای دارند که جز سوره‌های بقره و آل عمران همگی مکی هستند.^۱

«مرحوم فیض کاشانی فرموده است که اگر حروف مقطّعه قرآن را با هم ترکیب کنیم و تکراری‌های آنها را حذف کنیم این جمله به دست می‌آید: «صراط علیّ حقّ نمسکه»؛ یعنی راه علی حق است که ما آن را می‌پیماییم. و این از

^۱ خرمشاهی، قرآن‌شناخت، ص ۱۰۸؛ همو، ترجمه قرآن کریم. جای شگفتی است که بهاء‌الدین خرمشاهی در این دو منبع آورده است: حروف مقطّعه «متشکل از ۲۹ حرف یا مجموعه حروف هستند که در آغاز ۲۸ سوره قرآن - که همگی مکی هستند جز بقره و آل عمران - آمده است.» و نگارنده بر پایه بررسی و شمارشی که انجام داده آن را به ۲۹ سوره تصحیح کرده است. تعداد سوره‌هایی که با حروف مقطّعه آغاز می‌شوند در دیگر منابع نیز ۲۹ معرفی شده است؛ از جمله در کتاب *دانستنی‌های قرآن* از سید مهدی شمس‌الدین، ص ۲۱۱ چنین آمده است: «در ۲۹ سوره قرآن بعد از بسم الله حرفی آمده که به حروف مقطّعه معروف است.» نکته دیگر این است که حروف مقطّعه ۱۴ حرف هستند، حال آن‌که خرمشاهی آن را «متشکل از ۲۹ حرف یا مجموعه حروف» می‌خواند.

اسرار غیبیه است.»^۲ «و بعضی محققان اهل سنت در پاسخ آن گفته‌اند از جمع آنها عبارت «صح طریقك مع السنّة» (راه تو با اهل سنت درست است). برمی‌آید.»^۳

این حروف در صدر سوره‌ها پس از بسمله با دو چهره پدیدار می‌شوند:

یک) به عنوان آیه‌ای مستقل پس از بسمله قرار دارند و ادامه نمی‌یابند؛ مانند سوره بقره؛ «بسم الله الرحمن الرحيم * الم * ذلك الكتاب...».

این‌گونه از حروف مقطّعه در صدر این سوره‌ها قرار دارند:

- ۱- بقره ۲- آل عمران ۳- اعراف ۴- مریم ۵- طه ۶- شعراء ۷- قصص ۸- عنکبوت ۹- روم ۱۰- لقمان ۱۱- سجده ۱۲- یس ۱۳- غافر ۱۴- فصّلت ۱۵- شوری (در این سوره آیه‌های ۱ و ۲ حروف مقطّعه مستقل دارند؛ بسم الله الرحمن الرحيم؛ حمّ عسق) ۱۶- زخرف ۱۷- دخان ۱۸- جاثیه ۱۹- احقاف.

دو) در آیه نخست سوره، پس از بسمله حروف مقطّعه قرار می‌گیرند و پس از آن با واژه‌ها جمله‌هایی ادامه می‌یابند؛

^۲ شیخ طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳؛ به نقل از: سید مهدی شمس‌الدین، *دانستنی‌های قرآن*، ص ۲۱۱.

^۳ خرمشاهی، قرآن‌شناخت، ص ۱۰۸.

مانند: سورة قلم: ﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
* ن وَالْقَلَمِ وَمَا یَسْطُرُونَ * مَا اَنْتَ...﴾.

حروف مقطعه با این شیوه در آغاز
ده سوره به کار رفته‌اند که به ترتیب
این‌ها هستند:

۱- یونس ۲- هود ۳- یوسف ۴- رعد
۵- ابراهیم ۶- حجر (آغازیه این ۶ سوره
از نظر ساخت و محتوا بسیار به هم
نزدیک است، سوره‌های یونس، هود و
یوسف هنگام نزول در پی یکدیگر
آمده‌اند که در چیدمان امروزی قرآن هم
با همین ترتیب در پی یکدیگرند) ۷- نمل
۸- ص ۹- ق ۱۰- قلم.

چنان‌که که گفته شد بیشتر این ۲۹
سوره مکی هستند که ترتیب نزولشان
چنین است:

قلم (دومین)، ق (سی و چهارمین)،
ص (سی و هشتمین)، اعراف (سی و
نهمین)، یس (چهل و یکمین)، مریم
(چهل و چهارمین)، طه (چهل و
پنجمین)، شعراء (چهل و هفتمین)،
نمل (چهل و هشتمین)، قصص (چهل
و نهمین)، یونس (پنجاه و یکمین)،
هود (پنجاه و دومین)، یوسف (پنجاه و
سومین)، حجر (پنجاه و چهارمین)،
لقمان (پنجاه و هفتمین)، غافر
(شصتمین)، فصلت (شصت و یکمین)،

شوری^۱ (شصت و دومین)، زخرف
(شصت و سومین)، دخان (شصت و
چهارمین)، جاثیه (شصت و پنجمین)،
احقاف (شصت و ششمین)، ابراهیم
(هفتاد و دومین)، سجده (هفتاد و
پنجمین)، روم (هشتاد و چهارمین)،
عنکبوت (هشتاد و پنجمین)، بقره
(هشتاد و هفتمین)، آل عمران (هشتاد
و نهمین) و رعد (نود و ششمین)
سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده
است.

یک توجه ساده به ردیف نزولی این
سوره‌ها نشان می‌دهد غیر از سوره قلم
که دومین سوره فرو فرستاده بر پیامبر
است. بقیه سوره‌هایی که با حروف
مقطعه شروع می‌شوند مربوط به یک
دوره تاریخی خاص هستند که باید از
دیدگاه تاریخ اسلام و علوم قرآن این
نکته تحلیل و بررسی شود.

یکی از نکته‌های چشمگیر این است
که در خیلی از آغازیه‌ها آیه‌ای که پس از
حروف مقطعه بیان می‌شود به ذکر کتاب
الهی و اوصاف آن می‌پردازد.

۲-۳. شناساندن و توصیف کتاب

آسمانی (قرآن)، سوره‌ها و آیه‌های آن
یکی از گونه‌های زیبا و ارزشمند

آغازیه در قرآن، معرفی یا اشاره به خود کتاب آسمانی یا آیه و سوره قرآن است که براعت استهلال زیبایی را برای سوره رقم می‌زند. این توصیف گاهی در نخستین آیه مستقل انجام می‌شود؛ مانند سوره‌های: کهف، نور، فرقان، نمل و زمر.

در سوره کهف می‌خوانیم: «به نام خداوند رحمتگر مهربان، ستایش خدایی را که این کتاب آسمانی را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ‌گونه کژی در آن نهاد».

گاهی نیز مانند سوره یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم، حجر، ص و ق در آغازین آیه سوره، پس از بسمله و حروف مقطعه، ویژگی‌های کتاب آسمانی یادآوری می‌شود.

در سوره یونس می‌خوانیم: «به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ الف، لام، را. این است آیات کتاب حکمت‌آموز».

اما در نمونه‌های دیگر، ویژگی‌های کتاب آسمانی در آیه‌های دوم و پس از آن بیان می‌شود. در سوره لقمان می‌خوانیم: «به نام خداوند رحمتگر مهربان، الف، لام، میم (۱) این است آیات کتاب حکمت‌آموز (۲) که برای نیکوکاران رهنمود و رحمتی است (۳)».

این‌گونه آغازیه‌ها در این سوره‌ها

دیده می‌شود:

بقره/۲، آل عمران/۳ و ۴، اعراف/۲ و ۳، طه/۲، قصص/۲، لقمان/۲ و ۳، سجده/۲، یس/۲، غافر/۲، فصلت/۲-۴، زخرف/۲، دخان/۲-۶، جاثیه/۲، احقاف/۲، طور/۲، بینه/۲ و ۳.

این‌که، خود کتاب آسمانی این چنین ویژگی‌های خود را بیان می‌کند و یک به یک برمی‌شمارد، در کتاب‌های آسمانی دیگر، بی‌سابقه است.

۲-۴. توصیف خداوند

یکی از اصلی‌ترین نیازهای ایدئولوژیک گرایندگان یک دین، این است که اوصاف خداوند و انسان را در آن به روشنی ببینند و بشناسند.

در این جهان، شناخت صفت‌های خداوند برای انسان، شناختی نسبی است تا اندکی حیرت آدمی را تسکین بخشد و گرنه، حقیقت خداوند فراتر از صفت‌هایی است که انسان می‌شناسد. به گفته مولانا:

«ما بری از پاک و ناپاکی همه

از گران‌جانی و چالاکی همه»^۱

چون نمونه کوچکی از صفت‌های خداوند در نهاد انسان وجود دارد،

^۱ . مولوی، مثنوی، دفتر دوم، ص ۲۵۰.

شناختی هر چند اندک از صفت‌های خدا، فرایند خودشناسی را نیرو می‌بخشد، بنابراین الفاظ و صفت‌هایی که از سوی خداوند «یک حرف و دو حرف بر زبان» آدمی نهاده شده است، ستون خداشناسی دین شمرده می‌شود. حتی می‌توان گفت: صفت‌ها صورت‌های گسترش‌یافته نام‌های خداوند هستند. و به نظر می‌رسد خداوند تمام نام‌های خویش را به آدمی آموخت تا بتواند در دوران زندگانی از یکایک این نام‌ها رمزگشایی کند و در درون خویش آنها را گسترش دهد تا به صفات الهی برسد.

در آیین اسلام نیز باید ویژگی‌های خداوند (صفات) در کتاب آسمانی در کنار نام خداوند هویدا شود و برای طرح این مهم، چه جایی بهتر از آغاز سوره‌ها! در صدر سوره‌ها هنگامی که خداوند از ویژگی‌های خود سخن می‌گوید همواره خود را با صیغه غایب وصف می‌کند تا بزرگی‌اش را بیش از پیش به آدمی بنمایاند. این شیوه رایج توصیف خدا در صدر سوره‌هاست. تنها در سوره صافات، این روش دیگرگون می‌شود؛ پس از سه سوگند محکم و دو توصیف از خداوند با صیغه غایب، زاویه کلام

جابه‌جا می‌شود و خدا از زبان متکلم مع‌الغیر با آدمی سخن می‌گوید، این شیوه در هیچ آغازیه دیگر دیده نمی‌شود، بنگریم:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا * فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا * فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا * إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ * رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ * إِنَّا زَيْنًا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ * وَ...﴾:

به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ سوگند به صف بستگان - که صفی [باشکوه] بسته‌اند (۱) و به زجرکنندگان - که به سختی زجر می‌کنند (۲) و به تلاوت‌کنندگان [آیات الهی] (۳) که قطعاً معبود شما یگانه است (۴) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن‌دو است، و پروردگار خاورها (۵) ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم (۶) و...

گاهی در یک سوره، پس از بسمله، بلافاصله صفات خدا بیان می‌شود؛ در سوره فرقان می‌خوانیم: «به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [= کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرموده، تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد (۱)».

دیگر سوره‌هایی که این‌گونه هستند

عبارت‌اند از:

حمد/۱-۴، نحل/۱-۱۶، اِسراء/۱،
الرحمن/۱-۴، حدید/۱-۶، حشر/۱ و ۲،
صف/۱، جمعہ/۱ و ۲، تغابن/۱-۳،
مُلک/۱-۳، علق/۱-۵.

گاهی هم صفتهای خداوند با تأخیر
در آیه‌های دوم و پس از آن بیان
می‌شود؛ چنان‌که در آیه دوم سوره
آل‌عمران می‌خوانیم: «... (۱) خداست که
هیچ معبود [به حقی] جز او نیست و
زنده پاینده است (۲)».

در سوره‌های ابراهیم/۲،
صافات/۴ و ۵، غافر/۲ و ۳، اعلیٰ/۲-۵،
صفات خداوند آغازیه سوره را رقم
زده‌اند.

۲-۵. داستان آفرینش مادی انسان و

هستی

درباره داستان آفرینش و انواع آن در
قرآن و سوره‌های آن سخن گفته شد.
یکی دیگر از گونه‌های آغازیه این است
که پس از بسمله، آفرینش مادی انسان،
آسمان‌ها و زمین یا هر دو بیان می‌شود.
هر چند آفرینش اجزای دیگری از هستی
نیز در قرآن مطرح می‌شود، در صدر
سوره‌ها بیش از همه همین دو نمود
آفرینش حضور دارند.

در سوره‌های نساء و علق، داستان
آفرینش انسان در آغازین آیه سوره،
بی‌درنگ پس از بسمله بیان می‌شود،
بینیم:

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ ای
مردم، از پروردگارتان که شما را از
[نفس واحدی] آفرید و جفتش را [نیز]
از او آفرید، و از آن‌دو، مردان و زنان
بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید؛ و از
خدایی که به [نام] او از هم‌دیگر
درخواست می‌کنید پروا نمایید؛ و زنهار
را از خویشاوندان مبرید، که خدا همواره
بر شما نگهبان است».

سوره‌های دیگری که داستان آفرینش
را در آغازیه خود دارند با اندکی درنگ
پس از آیه نخست، به این مهم
پرداخته‌اند؛ در سوره نحل می‌خوانیم:

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛
[هان] امر خدا در رسید، پس در آن
شتاب مکنید. او منزّه و فراتر است از
آنچه [با وی] شریک می‌سازند (۱).
فرشتگان را با «روح»، به فرمان خود، بر
هرکس از بندگان که بخواهد نازل
می‌کند، که بیم دهید که معبودی جز من
نیست. پس از من پروا کنید (۲).
آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است.
او فراتر است از آنچه [با وی] شریک

می گردانند (۳)».

و بیان آفرینش آسمان‌ها و زمین بیشتر در آغاز سوره‌های بزرگ‌تر به چشم می‌خورد.

۲-۶. خطاب خداوند به بندگان

(مؤمنان و پیامبر)

این‌که خداوند بی‌پرده با بندگان سخن بگوید در کتاب‌های دینی و آسمانی کم سابقه است. برای نمونه آیین زرتشت خداوند بیشتر به واسطه زرتشت باید و نبایدها را به مزدیسنان می‌رساند. در اوستا، زرتشت همراه خواهش و پرستش از اهورا مزدا پرسش می‌کند و هورمزد چنان به زرتشت پاسخ می‌گوید تا پیروانش نیز پیام را دریابند.

این خطاب‌های مکرر به بندگان که گاهی با «یا ایها الناس»، «یا ایها الذین آمنوا» و «یا ایها النبی» می‌آیند یکی دیگر از ویژگی‌های کمال‌بخشی آیین اسلام هستند و جای گرفتن این خطاب‌ها در صدر سوره‌ها از ارزش‌گذاری برای انسان خبر می‌دهند.

همان اندازه که حروف مقطعه (ادوات استفتاح) در آغاز سوره‌ها آمده‌اند (۲۹ بار) به همان میزان خداوند در آغازیه سوره‌ها، بندگان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن گفته است. این

این سوره‌ها فقط داستان آفرینش مادی انسان را آغازیه دارند: سوره نساء/۱، انعام/۲، جاثیه/۴، الرحمن/۳، حدید/۲، انسان/۲، طارق/۵-۷، اعلیٰ/۲ و ۳، بلد/۴، لیل/۳، تین/۴، علق/۱ و ۲.

این سوره‌ها فقط داستان آفرینش آسمان‌ها و زمین را در آغازیه دارند: سوره یونس/۳، طه/۴ و ۵، سجده/۴، صافات/۵، زمر/۵، دخان/۷، احقاف/۳ و ۴. شایان یادآوری است که در صدر سوره رعد/۲ فقط به آفرینش آسمان‌ها اشاره شده است.

سوره‌های زیر در آغازیه خود داستان آفرینش انسان و آسمان‌ها و زمین را در کنار هم به کار برده‌اند:

سوره نحل، آیه ۳ (آفرینش آسمان‌ها و زمین)، آیه ۴ (آفرینش انسان)؛ سوره تغابن، آیه ۲ (آفرینش انسان)، آیه ۳ (آفرینش آسمان‌ها و زمین)؛ سوره ملک، آیه ۲ (آفرینش انسان)، آیه ۳ (آفرینش آسمان)؛ سوره نبا، آیه ۶ (آفرینش زمین)، آیه ۸ (آفرینش انسان).

چنان‌که در آمار نمایان است داستان آفرینش مادی انسان به تنهایی، بیشتر در صدر سوره‌های کوچک‌تر دیده می‌شود

خطاب‌ها را می‌توانیم در سه گروه دسته‌بندی کنیم:

۲-۶-۱. خطاب خدا به بندگان

این‌گونه خطاب با آمدن ترکیب‌هایی همچون: ای گروه مردمان، ای گروه مؤمنان و نشانه‌هایی دیگر شناخته می‌شود و مخاطبان گفتار خداوند همه بندگان یا گروه ویژه‌ای از آنان هستند. در نخستین آیه سوره مائده می‌خوانیم:

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادها [ای خود] وفا کنید. برای شما [گوشت] چارپایان حلال گردیده، جز آنچه [حکمش] بر شما خوانده می‌شود، در حالی که نباید شکار را در حال احرام، حلال بشمرید. خدا هر چه بخواهد فرمان می‌دهد».

علاوه بر سوره مائده سوره‌های ذیل نیز چنین آغازیه‌هایی دارند:

نساء، آیه ۱ (خطاب به مردم)؛ حج، آیه ۱ (خطاب به مردم)؛ حجرات، آیه‌های ۱ و ۲ (خطاب به مؤمنان)؛ نجم، آیه ۲ به بعد (خطاب به مردم، که خطاب یا ایها الناس در آن پنهان است)؛ صف، آیه ۲ (خطاب به مؤمنان). چنان‌که نمایان است این رویداد بیشتر در

سوره‌های بزرگ دیده می‌شود.

۲-۶-۲. خطاب ویژه خدا به پیامبر

سوره‌هایی که پیامبر مخاطب آغازیه آن بوده چندین حالت دارد: الف) خداوند در آیه‌های نخست با استفاده از لفظ «ای پیامبر» او را مخاطب قرار داده است؛ سوره‌های احزاب (نودمین سوره نازل شده بر پیامبر)، طارق (نود و نهمین سوره نازل شده)، تحریم (صد و هفتمین سوره نازل شده). ب) خداوند در آیه نخست با بیان صفتی از پیامبر او را مخاطب قرار داده است؛ سوره مزمل (سومین سوره نازل شده به معنای جامه به خود فروپيچیده) و مُدَّثِّر (چهارمین سوره نازل شده به معنی ردا بر سر کشیده).

با اندکی دقت در ترتیب نزول سوره‌های گروه بالا، درمی‌یابیم در خطاب‌های وحیانی آغاز دوره نبوت، همچون سوره‌های مُزَّمَل و مُدَّثِّر خداوند با پیامبر اسلام در مقام فرستاده و نبی سخن نمی‌گوید، بلکه او را با نام مرد جامه به خودپيچیده مخاطب قرار می‌دهد و همین نکته سیر کمالی پیامبر را در مسیر پیامبری به زیبایی نشان می‌دهد.

ج) با اندکی تأخیر در آیه‌های بعدی پیامبر به صراحت مخاطب خداوند قرار می‌گیرد؛ آیه ۳ سوره یس.

د) گاهی خطاب به پیامبر به گونه‌ای است که لفظ «ای پیامبر» در دل کلام خداوند پنهان است و دو حالت دارد: گاه در آیه اول می‌آید؛ سوره‌های: انفال، مجادله، فتح، منافقون، جن، عبس، غاشیه، شرح، علق.

گاهی هم با اندکی تأخیر در آیه دوم یا پس از آن پیامبر مخاطب خداست؛ آیه ۳ شوری، آیه‌های ۲ و ۳ و ۴ قلم، آیه ۲ بلد.

۲-۶-۳. خطاب عام

در این گونه آغازیه‌ها، مورد خطاب خداوند عام است؛ یعنی می‌تواند پیامبر یا هر یک از انسان‌ها باشد. با آن‌که نخستین مخاطب قرآن پیامبر بوده است. در بعضی از این آغازیه‌ها هنگامی که خداوند با انسان‌ها سخن می‌گوید مخاطب آیه، هم می‌تواند پیامبر باشد هم پیروانش، مانند چهار قل (سوره‌های توحید، کافرون، ناس، فلق) و سوره‌های اعلیٰ، فیل و نصر.

۲-۷. آغازیه‌های پرسشی

امروزه ثابت شده که بهترین شیوه

آموزش این است که فراگیر با پرسش درگیر شود.^۱ از آن‌جا که کار کتاب آسمانی، آموزش حکمت است طرح پرسش در آغاز سوره‌ها نیز یکی از شیوه‌های حکیمانه قرآن است که این ویژگی در دیگر کتاب‌های آسمانی نظیر ندارد.

بسیاری از سوره‌هایی که با پرسش آغاز می‌شوند موضوع قیامت را مطرح می‌کنند؛ زیرا رستاخیز، چిستی و چگونگی آن، خود یکی از بزرگ‌ترین پرسش‌های هستی‌شناسی است که پاسخش فقط در دست خداست.

آغازیه‌های پرسشی دو گروه هستند:

الف) بی‌پرده با واژه‌های پرسشی آغاز می‌شود:

انفال؛ ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ...﴾؛ [ای پیامبر]، از تو درباره غنایم جنگی می‌پرسند....

معارج؛ ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾؛ پرسنده‌ای از عذاب واقع‌شونده‌ای پرسید.

نبا؛ ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾؛ درباره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند.

^۱ آموزش حکمت با طرح پرسش‌هایی هدفمند، از روش‌هایی است که نوع خاص آن، به روش سقراطی مشهور است.

شرح؛ ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾؛ آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم؟
ماعون؛ ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ﴾؛ آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌خواند دیدی؟

ب) آغازیه‌هایی که در آنها ابتدا یک واژه ناآشنا مطرح می‌شود، سپس در مورد چیستی و چرایی آن پرسش می‌شود. در سوره حاقه می‌خوانیم:
«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ آن رخ‌دهنده (۱) چیست آن رخ‌دهنده؟ (۲) و چه دانی که آن رخ‌دهنده چیست؟ (۳)».

همچنین سوره طارق و قارعه آغازیه‌هایی از این دست دارند.

هنگامی که شعله‌های آتش، فروزان باشد یا خطری احساس شود، فرصتی برای مقدمه‌چینی باقی نمی‌ماند. باید بی‌درنگ و به تندی آتش را دربند کرد. در قرآن نیز هرگاه خطری احساس شود یا قرار بر بیم و تحذیر باشد، فرایند آغازیه به سرعت انجام می‌شود. این‌گونه را می‌توانیم آغازیه‌های سریع بدانیم و پیشینه این شیوه را می‌توان در کتاب مقدس هم یافت.

یادآوری قیامت، سوگندهای آغاز سوره‌ها و بیان ویژگی کافران نیز از همین گونه‌اند. در این سوره‌ها بسمله

بلافاصله بعد از موضوع اصلی که با بیم‌دهی همراه است، بیان می‌شود و این شیوه در نوع خود متناسب‌ترین آغازیه است.

حتی زیبایی آغازیه در سوره توبه به همین است که بسمله ندارد: ﴿بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾؛ [این آیات] اعلام بیزاری [و عدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته‌اید.

این سوره یکصد و سیزدهمین سوره‌ای است که بر پیامبر فرو فرستاده شده و پس از آن تنها سوره کوتاه نصر بر پیامبر نازل شده است. در حالی که دوره وحی رو به پایان است، کلام ماقبل آخر خداوند تند و تیزترین کلام اوست. این پیام چنان تند است که بسمله نیز ندارد و بیانگر همان احساس خطر در پایان دوره رسالت است. جالب آن‌که پس از این سوره عتاب‌آمیز، آخرین سوره نازل شده سوره نصر است که مژده‌دهنده، یاری خدا و شادی است. هر چند سوره توبه بسمله ندارد، همین که این جا هم، کلام الهی در آغازین واژه سوره (براءة)، با حرف ب (یکی از آغازین حروف الفبا) شروع می‌شود و از

یک رویکرد تفسیری، (ب) را می‌توان خلاصه بسمله دانست، نشان از خوش‌نشستن آیه آغازین سوره برائت دارد.

در سوره‌های دیگری که آغازین آیه آنها با بیم‌دهی و تذکر شروع می‌شود، چون از شدت بیان کاسته می‌شود باید بسمله در آیه نخست حضور داشته باشد. اما می‌توان گفت در این نمونه‌ها بی‌درنگ پس از بسمله به موضوع اصلی پرداخته شده است. در سوره حج می‌خوانیم:

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است (۱) روزی که آن را ببینید، هر شیردهنده‌ای آن را که شیر می‌دهد [از ترس] فرو می‌گذارد، و هر آبستنی بار خود را فرو می‌نهد، و مردم را مست می‌بینی و حال آن که مست نیستند، ولی عذاب خدا شدید است» (۲).

سوره‌های انبیاء، نحل، عنکبوت، محمد، معارج، مطففین، بینه، تکوین، هَمَزَه و مَسَد از این دست‌اند. ضمناً سوره قریش هم اگر چه لحن عتاب‌آمیز ندارد، ولی حرف «ل» که پس از بسمله آغازگر سوره است برای متن و محتوای سوره حالت تأکیدی و تَعْبُدی ایجاد

کرده است.

۲-۸. بیان قیامت و تصویرگری آن

اندیشه رستاخیز و معاد از بنیان‌های اساسی ادیان ابراهیم است، اما این اندیشه در آیین یهود تقریباً سر به مهر است و سخنی از آن در میان نیست. در آیین مسیحیت این مهم بهتر مطرح می‌شود و مستند به آیه‌های قرآن است. این اندیشه در اسلام کاملاً پرورده شده، به کمال می‌رسد و یکی از کلیدی‌ترین آموزه‌های اسلام شناخته می‌شود.

چنان‌که اشاره کردیم یادآوری قیامت از گونه آغازیه‌های سریع است و همواره بدون مقدمه‌چینی مطرح می‌شود: «به نام خداوند رحمتگر مهربان، نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه. (۱) و هرگاه نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند: «سحری دائم است» (۲)».

در آیه‌های ۱ و ۲ سوره حج، ۱-۵۶ واقعه، ۱-۴ معارج، تمام سوره قیامت، آیه ۷ سوره رسالات (پس از پنج سوگند و یک هشدار)، آیه‌های ۱-۵ سوره نبأ، آیه ۶ نازعات (پس از پنج سوگند)، آیه‌های ۱-۱۴ تکوین، ۱-۵ انفطار، ۱-۵ انشقاق، ۱-۶ غاشیه و از آغاز تا پایان سوره زلزال، رستاخیز

تصویر شده است.

در قرآن، موضوع قیامت چنان اهمیتی یافته که سوره‌هایی با موضوع اصلی قیامت، با نامی از نام‌های قیامت شناخته می‌شوند، مانند: واقعه، قیامت، نبأ، تکویر، انفطار، انشقاق، غاشیه و زلزال.

توجه به ترتیب نزول این سوره‌ها نشان می‌دهد که در طول دوران ارسال وحی، اندیشه معاد، پی‌درپی در سوره‌های آغازین تکرار و تأکید شده است. در این مجموعه سوره تکویر هفتمین و سوره حج یکصد و سومین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده و دیگر سوره‌های این مجموعه در فاصله زمانی میان این دو بر پیامبر فرو فرستاده شده‌اند.

۲-۹. بیان ویژگی‌های مؤمنان یا

کافران

گاهی در آغاز سوره، اوصاف مؤمنان یا کافران بیان می‌شود. این صفت‌ها، گاه در آغازین آیه، بی‌درنگ پس از بسمله می‌آیند و گاهی در آیه‌های بعد حضور می‌یابند؛ در سوره مؤمنون می‌خوانیم:

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ به راستی که مؤمنان رستگار شدند(۱). همانان که در نمازشان فروتن‌اند(۲). و

آنان که از بیهوده روی‌گردانند(۳). و آنان که زکات می‌پردازند(۴). و کسانی که پاک‌دامن‌اند(۵)».

در آیه ۲ سوره نحل، همچنین آیه‌های ۴ و ۵ سوره لقمان، پس از حروف مقطعه و شناساندن کتاب خدا، ویژگی‌های مؤمنان بیان می‌شود.

در مواردی که ویژگی‌های کافران در صدر آغازیه‌ها - یعنی اول آیه - بیان می‌شود با آغازیه‌های سریع روبه‌رو هستیم. در آیه ۱ سوره محمد می‌خوانیم: «به نام خداوند رحمتگر مهربان؛

کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند، [خدا] اعمال آنان را تباه خواهد کرد(۱). و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و به آنچه بر محمد ﷺ نازل آمده، گرویده‌اند - [که] آن خود حق [و] از جانب پروردگارشان است - [خدا نیز] بدی‌هایشان را زدود و حال [و روز]شان را بهبود بخشید(۲)».

سوره‌های بینه و مطففین نیز چنین ساختاری دارند. نکته در این جاست؛ سوره‌هایی که در آغازیه به وصف کافران می‌پردازند در شمار عتاب و خطاب و تذکر هم هستند.

شروع یک سوره با سوگند، یعنی اوج تأکید معنی. این نوع از آغازیه نیز در دیگر کتاب‌های دینی و آسمانی بی سابقه است و ویژگی منحصر به فرد قرآن است. این سوگندها بیشتر در آیه نخست دیده می‌شوند و گاهی همچون سوره یس، زخرف و ق، با درنگ در آیه ۲ پس از حروف مقطعه بیان می‌شوند و در بقیه موارد آغازین آیه سوره هستند، گاهی هم چند سوگند به طور مسلسل وار، یکی بعد از دیگری مطرح می‌شود؛ در سوره مرسلات می‌خوانیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا * فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا * وَالنَّائِرَاتِ نَسْرًا * فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا * فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا * عُذْرًا أَوْ نُذْرًا؛ به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ سوگند به فرستادگان پی‌درپی (۱) که سخت توفنده‌اند (۲) و سوگند به افشانندگان افشانگر (۳) که [میان حق و باطل] جداگرند (۴) والفاکننده وحی‌اند (۵) خواهی عذری باشد یا هشدار (۶)».

سوگندهای قرآنی را که در صدر سوره‌ها قرار گرفته‌اند از نظر ساختاری در دو گروه می‌توان دسته‌بندی کرد:

الف) سوگندهای عادی که با لفظ سوگند یاد می‌کنم آغاز می‌شوند:

سوره یس، صافات، زخرف، ق، ذاریات، طور، نجم، قلم، مرسلات، نازعات، بروج، طارق، فجر، شمس، لیل، ضحی، تین، عادیات و عصر.

ب) سوگندهایی که با لای نفی آغاز می‌شوند؛ به معنای سوگند یاد نمی‌کنیم: این‌گونه سوگند که فقط در دو آغازیه در سوره‌های قیامت و بلد آمده است، بار تأکیدی بیشتری نسبت به سوگندهای دیگر دارد. در سوره قیامت می‌خوانیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ * وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ * أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ؛ به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ نه! سوگند به روز رستاخیز (۱) و [باز] نه! سوگند به وجدان سرزنشگر! (۲) آیا انسان می‌پندارد که هرگز ریزه استخوان‌هایش را گرد نخواهیم آورد؟! (۳)».

گردآوران قرآن بیشتر سوره‌هایی را که با سوگند آغاز شده‌اند در پایان قرآن جای داده‌اند. دومین سوره نازل شده بر پیامبر (قلم) با سوگند آغاز می‌شود و سوره نازعات که هشتاد و یکمین سوره نازل شده بر پیامبر است آخرین سوره‌ای است که با سوگند آغاز می‌شود، در این فاصله، در آغازیه ۱۹ سوره دیگر هم سوگند وجود دارد که به نام آنها اشاره

شد و این نشان می‌دهد که از نظر تاریخی در دوره‌های آغازین وحی، سوگند بیشتر به کار رفته و تقریباً در ثلث پایانی دوره نزول وحی دیگر در آغاز هیچ سوره‌ای، شاهد هیچ سوگندی نیستیم. و این مهم بار دیگر از چشم‌انداز تاریخ اسلام و علوم قرآنی قابل بررسی است.

۱۱-۲. بیان مستقیم از زبان خداوند

به عنوان متکلم

سوره‌های نوح، قدر و کوثر پس از بسمله، بی‌درنگ با ترکیب اِنَّا آغاز شده‌اند. در آغازیه سوره نوح چنین می‌خوانیم:

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که: «قومت را، پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد، هشدار ده(۱)».

در سوره‌های صافات و انسان این بیان به تأخیر می‌افتد، در سوره انسان می‌خوانیم:

«به نام خداوند رحمتگر مهربان؛ آیا انسان را آن هنگام از روزگار [به یاد] آید که چیزی در خور یادکرد نبود؟ (۱) ما انسان را از نطفه‌ای اندرآمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم و وی را شنوا

و بینا گردانیدیم (۲) ما راه را بدو نمودیم؛ یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاسگزار (۳) ما برای کافران، زنجیرها و غل‌ها و آتشی فروزان آماده کردیم(۴)».

این شیوه بیانی به ویژه در آغازیه، یکی دیگر از زیبایی‌های این کتاب آسمانی است و در این مکتب فکری، می‌تواند بیانگر نزدیکی خداوند به بندگان باشد.

بی‌هیچ نگاه جانبدارانه‌ای، بر پایه نمونه‌هایی که از دیگر ادیان آورده شد، آغازیه‌های قرآن پرمایه‌ترین و ناب‌ترین آغازیه‌ها هستند. چیدمان امروزین قرآن نشان می‌دهد گردآورندگان، ابتدا سوره‌هایی با آغازیه‌های طولانی را آورده‌اند و سوره‌هایی را که آغازیه‌های آنان روند سریعی دارند در پایان قرآن جای داده‌اند و این خود یک نظم و هماهنگی (ریتم) ساختاری را برای سوره‌های قرآن و آغازیه‌های آن رقم زده است. این پژوهش، نشان می‌دهد در چیدمان کنونی قرآن، گردآوران و نگارندگان، به شکل و محتوای آغازیه‌ها بسیار اهمیت داده‌اند.

نکته دیگر این که، یک کاوش ساده محتوایی در آغازیه‌ها نشان می‌دهد

اندیشه‌های محوری و بنیادین آیین اسلام (توحید، نبوت و معاد) آشکارا در آغازیه سوره‌ها دیده می‌شوند.

یکایک این انواع در آغازیه‌های نظم و نثر فارسی حضور یافته‌اند و می‌توان مدعی شد آنچه به عنوان آغازیه ابتدای کتاب‌ها را آراسته است معمولاً خارج از این انواع نیست.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸ش.
۲. قرآن کریم، ترجمه فاسی، توضیحات و واژه‌نامه از بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، دوستان، ۱۳۸۴ش.
۳. اوستا، گزارش و پژوهش: جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، ۱۳۷۹ش.
۴. ترجمه گزیده سرودهای ریگ‌ودا، قدیمی‌ترین سند زنده مذهب و جامعه هندو، تحقیق، ترجمه و مقدمه: سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران، نقره، ۱۳۷۲ش.
۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین و دیگران، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، ناهید و دوستان، ۱۳۷۷ش.
۶. شمس‌الدین، سید مهدی، دانستنی‌های قرآن، قم، قدس، ۱۳۷۳ش.
۷. کتاب مقدس، ترجمه فاضل‌خان همدانی؛

ویلیام گلن؛ هنری مورتن، عهد عتیق و عهد جدید، تهران، اساطیر، ۱۳۸۸ش.

۸. مه‌بهارات، ترجمه میر غیاث‌الدین علی قزوینی، به اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی و دکتر ن.س. شوکلا، تهران، طهوری، ۱۳۸۵ش.

۹. _____، قرآن‌شناخت (مباحثی در فرهنگ و فرهنگ‌آفرینی قرآن، تهران، ناهید، ۱۳۸۷ش.

۱۰. مولوی، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد.ا. نیکلسون، تهران، هرمس، ۱۳۸۵ش.